

Research Article

The Impact of Poverty and Social Deprivation on Crimes against Property in Lorestan Province: An Analysis Based on Regional Inequalities

Hassanreza Yosofvand¹ 

Assistant Professor, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Received: 2025/04/12 Accepted: 2025/05/30

<https://doi.org/10.22034/jis.2025.2057708.1029> 

Extended Abstract

Introduction: While property crimes have always existed, they have become more severe and complex in today's industrial society due to various factors. Modern technologies have not only diminished property crimes but have also played a role in their escalation. In Iran, crimes against property have also rapidly expanded following the country's industrial development and modernization, and have taken more severe form, especially in deprived areas. This study aimed to investigate the relationship between poverty and interregional inequality with crimes property in eleven cities of Khorramabad, Borujerd, Dorud, Kuhdasht, Aleshtar, Nurabad, Aligudarz, Azna, Poldokhtar, Rumeshkan, and Chegeni in Lorestan province.

Method: This quantitative study was conducted through secondary analysis based on the official data from Police and the Statistical Center of Iran (SCI) covering 1997-2021. The dependent variable of the study is property crimes including fraud, breach of trust, theft, and issuing a blank check, which are measured by annual incidence rates. Moreover, 30 indicators in five economic, social, cultural, infrastructure, and health dimensions were applied to assess deprivation and poverty.

Findings: The results show that there is a positive and significant relationship between social deprivation and property crimes. In addition, absolute and relative poverty are key factors in the increase in crimes. The findings reveal that the cities of Rumeshkan and Chegeni, with severe deprivation, have the highest rates of simple thefts such as cattle theft, while Khorramabad and Dorud, with relative inequality, experienced more complex crimes such as issuing blank check. One-way ANOVA indicated a significant difference in crimes such as theft of houses and private places and theft of cars and motorcycles between deprivation groups, but no significant relationship was observed for fraud, cattle theft, and theft of government places. This suggests the influence of local or opportunity-based factors such as access to property or technology on these crimes. Finally, spatial analysis using GIS showed that crimes are more concentrated in central areas including Khorramabad and Dorud, while deprivation is more severe in western areas including Rumeshkan and Chegeni.

Conclusion: Based on the findings, reduced social controls and psychological stress resulting from perceived inequality contribute to an increase in property crimes. Allocating resources to deprived areas, strengthening infrastructure, creating job opportunities and education in high-inequality areas, and monitoring crime opportunities can reduce crimes. However, focusing on the county level, ignoring intra-neighborhood differences, and lack of qualitative data to analyze cultural factors were limitations of this research that need to be addressed in future studies.

Keywords: Crimes against property, Poverty, Social deprivation, Regional inequality, Lorestan.


Citation: Yosofvand, H.R. (2025). The Impact of Poverty and Social Deprivation on Property Crimes in Lorestan Province: An Analysis Based on Regional Inequalities. *Journal of Industrial Sociology*, 1(2), 178-194.

1. Corresponding author, E-mail: yosofvand@pnu.ac.ir

مقاله پژوهشی

تأثیر فقر و محرومیت اجتماعی بر جرایم علیه اموال در استان لرستان: تحلیلی مبتنی بر

نابرابری های منطقه ای

حسن رضا یوسفوند^۱ 

استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

<https://doi.org/10.22034/jis.2025.2057708.1029> 

چکیده مبسوط

مقدمه: جرایم علیه اموال اگرچه همیشه وجود داشته‌اند اما در دنیای صنعتی معاصر به دلایل مختلف، تشدید شده و ابعاد پیچیده‌تری یافته‌اند. فناوری‌های نوین علاوه بر اینکه جرایم علیه اموال را کاهش داده‌اند، به تشدید آن نیز کمک کرده‌اند. جرایم علیه اموال، در ایران نیز به دنبال تحولات صنعتی و نوسازی کشور به سرعت گسترش یافته و به ویژه در مناطق محروم، شکل حادثی به خود گرفته‌اند. این پژوهش با هدف بررسی رابطه فقر و نابرابری بین منطقه‌ای با جرایم علیه اموال در یازده شهرستان خرم‌آباد، بروجرد، دورود، کوهدشت، الشتر، نورآباد، الیگودرز، ازنا، پلدختر، رومشکان، و چگنی در استان لرستان انجام شده است.

روش: این پژوهش با استفاده از رویکرد کمی و تحلیل ثانویه داده‌های رسمی نیروی انتظامی و مرکز آمار ایران در سال‌های ۱۳۹۶-۱۴۰۰ انجام شده است. متغیر وابسته پژوهش، جرایم علیه اموال شامل کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت، و صدور چک بی محل است که با نرخ وقوع سالانه سنجش شده‌اند. به علاوه، جهت سنجش محرومیت و فقر از ۳۰ شاخص در پنج بعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیرساختی، و بهداشتی استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج تحقیق نشان می‌دهند، رابطه مثبت و معناداری بین محرومیت اجتماعی و جرایم علیه اموال وجود دارد. به علاوه، فقر مطلق و نسبی عوامل کلیدی در افزایش جرایم هستند. یافته‌ها نشان می‌دهند، شهرستان‌های رومشکان و چگنی با محرومیت شدید، بالاترین نرخ سرقت‌های ساده مانند سرقت احشام را دارند، در حالی که خرم‌آباد و دورود با نابرابری نسبی، جرایم پیچیده‌تری مانند صدور چک پرداخت‌نشده را نشان دادند. تحلیل واریانس یک‌طرفه، تفاوت معناداری در جرایمی مانند سرقت منازل و اماکن خصوصی و سرقت اتومبیل و موتورسیکلت بین گروه‌های محرومیت نشان داد، اما برای کلاهبرداری، سرقت احشام و سرقت اماکن دولتی رابطه معناداری مشاهده نشد. این امر نشان‌دهنده تأثیر عوامل محلی یا فرصت‌محور مانند دسترسی به اموال یا فناوری بر این جرایم است. و بالاخره، تحلیل فضایی با GIS نشان داد، جرایم در مناطق مرکزی شامل خرم‌آباد و دورود، متمرکزتر و محرومیت در مناطق غربی شامل رومشکان و چگنی، شدیدتر است.

نتیجه‌گیری: با استناد به یافته‌های پژوهش، تضعیف کنترل‌های اجتماعی و فشار روانی ناشی از نابرابری درک‌شده، به افزایش جرایم علیه اموال منجر می‌شود. تخصیص منابع به مناطق محروم، تقویت زیرساخت‌های صنعتی، ایجاد فرصت‌های شغلی و آموزش در مناطق با نابرابری بالا و نظارت بر فرصت‌های جرم می‌تواند جرایم را کاهش دهد. با این حال، تمرکز بر سطح شهرستان، نادیده گرفتن تفاوت‌های درون‌محله‌ای و کمبود داده‌های کیفی برای تحلیل عوامل فرهنگی، محدودیت‌های این پژوهش بود که لازم است در مطالعات آتی مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: جرایم علیه اموال، فقر، محرومیت اجتماعی، نابرابری منطقه‌ای، لرستان.

ارجاع: یوسفوند، حسن رضا. (۱۴۰۴). تأثیر فقر و محرومیت اجتماعی بر جرایم علیه اموال در استان لرستان: تحلیلی مبتنی بر نابرابری‌های منطقه‌ای. *مجله جامعه‌شناسی صنعتی*، ۲۱(۲)، ۱۹۴-۱۷۸.

۱. ایمیل نویسنده مسوول: yosofvand@pnu.ac.ir

مقدمه

پیشرفت‌های فناوری در این زمینه بسیار قابل ملاحظه است. «دوربین‌های مداربسته»، «سیستم‌های امنیتی مانند دزدگیر»، «سیستم‌های هشداردهنده» و غیره می‌تواند نقش مهمی در این موضوع داشته باشد (میرولینارس و همکاران، ۲۰۲۵). با این حال، پیشرفت‌های فناوری به شکل‌گیری حوزه‌های جدیدی از «جرایم علیه اموال» مانند «هک» کردن، «سرقت اطلاعات»، «کلاهبرداری اینترنتی» و... نیز منجر شده که توانایی «سارقان» را نیز افزایش داده است (ماشونیس^۳، ۲۰۱۷). اما «جرایم علیه اموال» به عنوان یک رفتار منحرفانه به طور گسترده متأثر از ساختارهای اجتماعی است (گیدنز^۴، ۲۰۱۸). در این میان، «فقر» و «نابرابری‌های منطقه‌ای» نقش برجسته‌ای در بروز این جرایم ایفا می‌کنند (کلی^۵، ۲۰۰۰؛ اسمیت و تیلور^۶، ۲۰۲۰). این پژوهش با تمرکز بر لرستان، به دنبال بررسی رابطه فقر و نابرابری بین منطقه‌ای با جرایم علیه اموال است تا زمینه‌ای برای سیاست‌گذاری هدفمند در راستای کاهش این جرایم فراهم کند. استان لرستان با ویژگی‌های خاص جغرافیایی، و نابرابری‌های توسعه‌ای بین مناطق، بستری مناسب برای مطالعه این جرایم فراهم می‌کند. در این استان، یازده شهرستان وجود دارند که سطوح بالایی از فقر و نابرابری را منعکس می‌کنند (میره ای و همکاران، ۱۳۹۵). در حالیکه، برخی شهرستان‌ها مانند رومشگان و چگنی با کمبود شدید زیرساخت‌های اقتصادی، آموزشی و بهداشتی مواجه‌اند، مناطق مرکزی مانند خرم‌آباد و دورود، از وضعیت مناسب تری برخوردارند. این نابرابری‌ها، از طریق محدود کردن دسترسی به منابع، و تشدید فشارهای اقتصادی، می‌تواند «جرایم علیه اموال» را افزایش دهند. «جرایم علیه اموال» به‌ویژه به کسب و کارهای محلی، مانند کارگاه‌های تولیدی و

انواع جرایم را می‌توان به دو دسته عمده «جرایم علیه اشخاص»، و «جرایم علیه اموال»، تقسیم‌بندی نمود. جرایم علیه اشخاص یا جرایم خشن، جرایمی هستند که طی آن از خشونت یا تهدید به خشونت، علیه «دیگران» استفاده می‌شود. قتل عمد، قتل غیرعمد، ضرب و جرح، تجاوز به عنف، و زورگیری، گونه‌های عمده «جرایم علیه اشخاص» هستند. اما «جرایم علیه اموال»، جرایمی‌اند که علیه «دارایی» دیگران انجام می‌شوند. دله دزدی، سرقت، اتومبیل دزدی، و آتش‌سوزی عمدی، برخی از گونه‌های عمده این نوع جرایم است. اگرچه، جرایم علیه اشخاص و جرایم علیه اموال، همیشه بوده، اما به دلایل گوناگون در «جامعه صنعتی» معاصر به مراتب گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند. حسب شواهد سالیانه بالغ بر ۶/۴ میلیون فقره «جرایم علیه اموال» در آمریکا رخ می‌دهند که نشان می‌دهد در هر ۵ ثانیه، یک مورد «جرایم علیه اموال»، در این کشور اتفاق می‌افتد (ماریوتی^۱، ۲۰۲۳). گزارش مرکز آمار ایران بیانگر آن است که در ایران نیز نرخ این نوع «جرایم» بسیار بالاست. در سال ۱۴۰۲ در ایران ۹۳۹۱۹۵ مورد «جرایم علیه اموال» رخ داده که سهم اماکن خصوصی (۲۱۹۶۵۵ فقره)، اماکن دولتی (۱۶۷۱۹ فقره)، منازل (۱۰۸۱۲۹ فقره)، مغازه (۲۶۰۷۲ فقره)، اتومبیل (۷۷۲۹۱ فقره)، موتورسیکلت (۹۴۵۰۴ فقره)، لوازم خودرو و وسایل داخل آن (۳۷۳۲۵۷ فقره) و احشام (۲۳۵۶۸ فقره) بوده است و در مجموع، ۳۶۰۱۵۸ نفر نیز دستگیر شده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳). سهم استان لرستان در «جرایم علیه اموال» بالغ بر ۱۸۰۴۸ مورد است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۳). در تبیین «جرایم علیه اموال» گستره‌ای از عوامل مؤثر است. نقش

4. Giddens
5. Kelly
6. Smith & Taylor

1. Mariotti
2. Miro-Llinares & Aebi
3. Macionis

مانند بیکاری و فقر، در ایران معاصر نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش «جرایم علیه اموال» دارند، اما تحلیل‌های محلی برای شناسایی الگوهای منطقه‌ای کافی نبوده‌اند. این پژوهش‌ها بر ضرورت بررسی بسترهای محلی، به‌ویژه در مناطقی مانند لرستان که ترکیبی از نابرابری‌های شهری و روستایی را نشان می‌دهند، تأکید دارند. رحیمی (۱۴۰۰) بر تأثیر فقر مطلق در مناطق روستایی ایران تمرکز کرد و نشان داد که محدودیت‌های اقتصادی، به‌ویژه در مناطقی با بیکاری بالا، افراد را به سمت سرقت برای تأمین نیازهای اولیه سوق می‌دهد.

در خارج کشور نیز مطالعات گسترده‌ای در این مبحث انجام شده‌اند. دیویس و کیم^۱ (۲۰۲۳) در تحلیلی جهانی نشان دادند که نابرابری اقتصادی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، با افزایش جرایم مالی مانند کلاهبرداری «سایبری» و صدور چک بی محل همبستگی دارد. آن‌ها استدلال کردند که جهانی‌شدن و دسترسی به «فناوری»، فرصت‌های جدیدی برای این جرایم ایجاد کرده است، به‌ویژه در مناطقی با زیرساخت‌های نظارتی ضعیف. آرner و باکلی^۲ (۲۰۲۰) بر رشد جرایم «سایبری» مرتبط با اموال در جوامع با نابرابری بالا تأکید کردند و نشان دادند که «فناوری»، بدون نظارت کافی، این جرایم را تسهیل می‌کند. بوسن و چمبرلین^۳ (۲۰۱۷) نیز در مطالعه‌ای «طولی» دریافتند که دوره‌های «رکود اقتصادی» با افزایش «جرایم علیه اموال» همراه است، به‌ویژه در مناطقی با نرخ بیکاری بالا. چمبرلین و هیپ^۴ (۲۰۱۵) با استفاده از تحلیل چندسطحی، رابطه محرومیت اجتماعی و «جرایم علیه اموال» را بررسی و نشان دادند که ضعف پیوندهای اجتماعی در محله‌های فقیر، احتمال وقوع سرقت را تشدید می‌کند.

واحدهای تجاری کوچک، آسیب می‌رسانند، زیرا سرقت اموال یا کلاهبرداری مالی، سرمایه و پایداری این واحدها را تهدید می‌کند. رشد شهرنشینی، گسترش دسترسی به رسانه‌های مدرن و فرهنگ مصرف در کنار محدودیت‌های اقتصادی، شکاف بین انتظارات اجتماعی و واقعیت‌های اقتصادی را در لرستان عمیق‌تر کرده است. با این حال، مطالعات محلی در لرستان محدود بوده و بیشتر پژوهش‌ها بر تحلیل‌های ملی متمرکز شده‌اند (طاهری، ۱۴۰۱). این شکاف دانشی، نیاز به تحلیل‌های منطقه‌ای را برای درک تأثیر نابرابری‌های درون‌استانی بر «جرایم علیه اموال» برجسته می‌کند. کاهش این جرایم می‌تواند امنیت سرمایه‌گذاری را در بخش‌های تولیدی و تجاری بهبود بخشد و به توسعه اقتصادی مناطق محروم کمک کند. با این تفصیل، پرسش اصلی پژوهش این است که «فقر» و «نابرابری بین‌منطقه‌ای» چگونه بر «جرایم علیه اموال» در لرستان تأثیر می‌گذارند و چه راهکارهایی می‌توان برای کاهش این جرایم ارائه داد.

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی به بررسی رابطه «فقر»، «نابرابری منطقه‌ای»، «جرایم علیه اموال» پرداخته‌اند. شریفی (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای در غرب ایران، نابرابری‌های منطقه‌ای را عامل اصلی افزایش «جرایم علیه اموال» دانست و تأکید کرد که تفاوت‌های توسعه‌ای بین شهرهای مرکزی و مناطق حاشیه‌ای، انگیزه‌های جرم را تقویت می‌کند. محمدی (۱۴۰۱) در تحلیلی از لرستان، محرومیت اقتصادی و اجتماعی را با چالش‌های امنیتی، از جمله «جرایم علیه اموال»، مرتبط دانست و پیشنهاد کرد که تقویت زیرساخت‌ها می‌تواند این جرایم را کاهش دهد. طاهری (۱۴۰۱) نشان داد که عوامل اقتصادی،

3. Bosen & Chamberlin
4. Chamberlin & Hipp

1. Davis & Kim
2. Arner & Buckley

چارچوب نظری

تبیین انحرافات اجتماعی و عوامل مرتبط با آنها در حوزه جامعه‌شناسی از عمق و غنای بسیاری برخوردار است (فرانزس^۳، ۲۰۱۵). این پژوهش بر دو نظریه کلیدی جامعه‌شناختی، یعنی نظریه «بی‌سازمانی اجتماعی» و نظریه «محرومیت نسبی»، استوار است که رابطه «فقر» و «جرایم علیه اموال» را تبیین می‌کنند. نظریه «بی‌سازمانی اجتماعی»، که ابتدا توسط شاو و مک‌کی^۴ (۱۹۴۲) توسعه یافت، استدلال می‌کند که در محله‌هایی با سطوح بالای محرومیت اقتصادی و اجتماعی، مانند فقر، بیکاری و بی‌ثباتی مسکونی، کنترل‌های اجتماعی تضعیف می‌شود و این امر زمینه‌ساز افزایش جرم می‌گردد. این نظریه بر این ایده تأکید دارد که ساختارهای اجتماعی ناکارآمد، مانند نبود نهادهای قوی یا ارزش‌های مشترک، به بی‌نظمی منجر شده و «جرایم علیه اموال» را تسهیل می‌کند. «دورکیم»^۵ (۱۹۳۳) با مفهوم «آنومی» این دیدگاه را تقویت می‌کند؛ او معتقد بود، در جوامعی با نابرابری و فقدان فرصت‌های برابر، افراد به ابزارهای نامشروع برای دستیابی به اهداف مادی روی می‌آورند. مرتن^۶ (۱۹۳۸) نیز با توسعه نظریه فشار، بیان کرد که فشارهای ناشی از محرومیت اقتصادی در کنار محدودیت دسترسی به وسایل مشروع، افراد را به سمت «جرایم علیه اموال» سوق می‌دهد. این نظریه با تمرکز بر تأثیر فقر مطلق بر ساختارهای اجتماعی، چارچوبی مناسب برای تحلیل «جرایم علیه اموال» در مناطق محروم فراهم می‌کند و تضعیف نهادهای اجتماعی در شرایط محرومیت را عامل کلیدی در افزایش این جرایم می‌داند. نظریه «محرومیت نسبی» که توسط مرتن (۱۹۶۸) با مفهوم «گروه مرجع» مطرح شد و بعدها توسط آگنیو^۷ (۱۹۹۹) با

پرایدمور^۱ (۲۰۱۱) در تحقیقی نشان داد که فقر مطلق در مناطق شهری با تراکم جمعیتی بالا، با افزایش نرخ سرقت همبستگی قوی دارد، زیرا فشارهای اقتصادی افراد را به سمت رفتارهای مجرمانه برای رفع نیازهای اولیه سوق می‌دهد. در مقابل، فقر نسبی، که با مقایسه وضعیت اقتصادی افراد با دیگران تعریف می‌شود، به حس محرومیت و نابرابری منجر می‌شود. براش^۲ (۲۰۰۷) دریافت که نابرابری درآمدی در جوامع با شکاف طبقاتی بالا، جرایمی مانند کلاهبرداری و خیانت در امانت را افزایش می‌دهد، زیرا افراد برای جبران محرومیت درک‌شده به رفتارهای غیرقانونی روی می‌آورند. با وجود این مطالعات، شکاف‌های دانشی قابل توجهی وجود دارد. بیشتر تحقیقات جهانی بر مناطق شهری متمرکز بوده‌اند و توجه کمتری به مناطق نیمه‌شهری یا روستایی با محرومیت بالا شده است. در ایران، تحلیل‌های استانی و محلی، به‌ویژه در زمینه تأثیر نابرابری‌های درون‌استانی بر «جرایم علیه اموال»، محدود بوده‌اند. برای مثال، تفاوت‌های بین خرم‌آباد (با توسعه نسبی) و رومشگان (با محرومیت شدید) در لرستان، نیازمند تحلیل‌های دقیق‌تری است که در مطالعات موجود به‌ندرت دیده می‌شود. همچنین، نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی، مانند پیوندهای اجتماعی یا تأثیر رسانه‌های مدرن، در کنار عوامل اقتصادی کمتر بررسی شده است. با ظهور جرایم سایبری و پیچیدگی‌های جرایم علیه اموال در دنیای مدرن، نیاز به بررسی این جرایم در بسترهای محلی با زیرساخت‌های محدود احساس می‌شود. این پژوهش با تمرکز بر داده‌های محلی لرستان و تحلیل نابرابری‌های درون‌استانی، به دنبال پر کردن این شکاف‌ها و ارائه تبیینی جامع از رابطه فقر و «جرایم علیه اموال» است.

5. Durkheim
6. Merton
7. Agnew

1. Pridemore
2. Brush
3. Franzes
4. Shaw & McKay

چارچوب نظری، فرضیه‌های زیر تدوین شده که هر کدام توسط هر دو نظریه پشتیبانی می‌شوند:

- فقر مطلق با افزایش جرایم علیه اموال رابطه مثبت دارد. این فرضیه با نظریه «بی‌سازمانی اجتماعی» (شاو و مک‌کی^۱)، ۱۹۴۲) مرتبط است، زیرا فقر مطلق با تضعیف کنترل‌های اجتماعی، بستر جرم را فراهم می‌کند. همچنین، نظریه «محرومیت نسبی» (مرتن، ۱۹۶۸) آن را تأیید می‌کند، زیرا نیازهای برآورده‌نشده ناشی از فقر مطلق می‌تواند فشار روانی ایجاد کرده و به جرم منجر شود.

- فقر نسبی با افزایش جرایم علیه اموال همبستگی مثبت دارد: نظریه «محرومیت نسبی» (اگنیو، ۱۹۹۹) این فرضیه را با تأکید بر نابرابری درک‌شده پشتیبانی می‌کند که افراد را به جرم برای جبران محرومیت سوق می‌دهد. نظریه «بی‌سازمانی اجتماعی» (دورکیم، ۱۹۳۳) نیز آن را با اشاره به «آنومی» ناشی از نابرابری تأیید می‌کند.

- نابرابری درآمدی در مناطق شهری احتمال وقوع «جرایم علیه اموال» را افزایش می‌دهد: نظریه «محرومیت نسبی» (مرتن، ۱۹۶۸) این را با احساس محرومیت در مقایسه با دیگران تبیین می‌کند، و نظریه «بی‌سازمانی اجتماعی» (شاو و مک‌کی، ۱۹۴۲) آن را به فروپاشی ساختارهای اجتماعی در مناطق نابرابر نسبت می‌دهد.

- محرومیت اجتماعی در محله‌های فقیر با افزایش سرقت و کلاهبرداری مرتبط است: نظریه «بی‌سازمانی اجتماعی» (مرتن، ۱۹۳۸) این فرضیه را با تضعیف نهادهای اجتماعی در شرایط محرومیت توضیح می‌دهد، و نظریه «محرومیت نسبی» (اگنیو، ۱۹۹۹) آن را به فشار ناشی از نابرابری درک‌شده مرتبط می‌سازد.

عنوان نظریه «فشار عمومی» توسعه یافت، بر نابرابری درک‌شده تمرکز دارد. «مرتن» استدلال کرد که افراد خود را با گروه‌های مرجع مقایسه می‌کنند و اگر احساس کنند از منابع عادلانه محروم شده‌اند، به رفتار مجرمانه روی می‌آورند. «اگنیو» این ایده را گسترش داد و تأکید کرد که نابرابری درک‌شده به‌عنوان یک فشار روانی، انگیزه‌ای برای جرم ایجاد می‌کند. این نظریه بر «فقر نسبی» تأکید دارد و نشان می‌دهد که احساس محرومیت در مقایسه با دیگران، حتی در غیاب فقر مطلق، می‌تواند به «جرایم علیه اموال» منجر شود. نظریه محرومیت نسبی، به‌ویژه در جوامع شهری با تفاوت‌های اقتصادی آشکار، ابزار تحلیلی قدرتمندی ارائه می‌دهد و انگیزه‌های روانی ناشی از حس بی‌عدالتی و نابرابری را عامل مهمی در ارتکاب «جرایم علیه اموال» می‌داند. این دو نظریه مکمل یکدیگرند؛ نظریه «بی‌سازمانی اجتماعی» ساختارهای فروپاشیده در مناطق محروم را توضیح می‌دهد، در حالی که نظریه «محرومیت نسبی» بر انگیزه‌های روانی و اجتماعی ناشی از نابرابری درک‌شده تمرکز دارد. این چارچوب نظری، با تأکید بر ابعاد ساختاری و روانی فقر، تبیینی جامع از «جرایم علیه اموال» ارائه می‌دهد. نظریه «بی‌سازمانی اجتماعی» نشان می‌دهد که چگونه فقر مطلق و محرومیت اجتماعی، با تضعیف پیوندهای اجتماعی و نهادهای محلی، فرصت‌های جرم را افزایش می‌دهند. در مقابل، نظریه «محرومیت نسبی» بر این نکته تأکید دارد که نابرابری نسبی، حتی در مناطقی با فقر کمتر، می‌تواند با ایجاد حس محرومیت و فشار روانی، افراد را به سمت رفتارهای مجرمانه سوق دهد. ترکیب این دو دیدگاه، امکان تحلیل چندجانبه‌ای از «جرایم علیه اموال» را فراهم می‌کند، که هم عوامل محیطی و ساختاری و هم انگیزه‌های فردی و ادراکی را در نظر می‌گیرد. بر اساس این

روش پژوهش

نرخ باسوادی، میزان ترک تحصیل، دسترسی به مراکز آموزشی، نسبت جمعیت جوان بیکار، میزان مهاجرت برون‌شهرستانی و شاخص طلاق به عنوان شاخص‌هایی برای بررسی انسجام و محرومیت اجتماعی. (۳) بعد فرهنگی شامل دسترسی به رسانه‌های جمعی، مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی، تعداد کتابخانه‌های عمومی، و تعداد مراکز مذهبی. (۴) بعد زیرساختی که طی آن درصد دسترسی به آب آشامیدنی، کیفیت جاده‌ها، دسترسی به برق پایدار، تعداد شعب بانکی، پوشش شبکه موبایل و میزان تراکم مسکونی مطمح نظر بوده‌اند. (۵) بعد بهداشتی مبتنی بر تعداد پزشکان سرانه، دسترسی به بیمارستان، نرخ مرگ‌ومیر نوزادان، درصد بیمه‌شدگان، میزان بیماری‌های مزمن و دسترسی به داروخانه. این ۳۰ شاخص در ۵ بعد، محرومیت اجتماعی را به صورت جامع تعریف کرده و با نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی و محرومیت نسبی هم‌راستا هستند. برای «بی‌مقیاس» کردن داده‌ها، از نمره استاندارد Z استفاده شده که نسبت به روش تقسیم بر میانگین، دقت بیشتری در حفظ توزیع داده‌ها دارد (فیلد^۲، ۲۰۱۸). این انتخاب به دلیل توانایی آن در کاهش تأثیر مقیاس‌های متفاوت و حفظ ویژگی‌های آماری، توجیه شده است. جامعه مورد مطالعه، ۱۱ شهرستان استان لرستان (خرم‌آباد، بروجرد، دورود، کوهدشت، الشتر، نورآباد، الیگودرز، ازنا، پلدختر، رومشکان، چگنی) است. «اعتبار» شاخص‌ها از طریق بررسی منابع علمی، آثار پژوهشی و نظرات ۷ کارشناس توسعه تأیید شد. «پایایی» نیز با بهره‌گیری از داده‌های رسمی و آزمون آلفای کرونباخ (با مقدار ۰/۸۲ برای شاخص‌های محرومیت) سنجیده شد که نشان‌دهنده ثبات درونی بالای شاخص‌هاست (نیومن^۳، ۲۰۱۴). برای کاهش سوگیری در انتخاب شاخص‌ها، معیارهای «عینی»

این پژوهش با رویکرد کمی و به روش «تحلیل ثانویه» انجام شده است تا رابطه بین فقر و محرومیت اجتماعی و «جرایم علیه اموال» را در سطح شهرستان‌های استان لرستان بررسی کند. این روش به دلیل استفاده از داده‌های ثانویه رسمی، امکان تحلیل جامع و کم‌هزینه را فراهم می‌کند و با اهداف کلان جامعه‌شناختی هم‌راستا است (بیرمن^۱، ۲۰۱۶). محدودیت‌های احتمالی این روش، مانند به‌روز نبودن داده‌ها یا ناکافی بودن پوشش زمانی، در نظر گرفته شده و برای جبران آن، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی داده‌های چندساله نیز تحلیل شوند. همچنین، متغیرهای مخدوش‌کننده مانند فرهنگ محلی و نرخ مهاجرت در تحلیل رگرسیون کنترل شده‌اند تا تأثیر آن‌ها بر نتایج کاهش یابد. این روش با تکیه بر داده‌های معتبر و کنترل متغیرهای جانبی، تحلیل جامعه‌شناختی دقیقی از رابطه محرومیت و جرایم ارائه می‌دهد. متغیر وابسته پژوهش، «جرایم علیه اموال» است که به نقض حقوق مالکانه اشخاص اشاره دارد و شامل کلاهبرداری، خیانت در امانت، سرقت (منزل، اماکن خصوصی، اماکن دولتی، اتومبیل، موتورسیکلت، داخل اتومبیل، وسایل و قطعات اتومبیل، پلاک اتومبیل، احشام) و صدور چک بی‌محل می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰). این جرایم با نرخ وقوع سالانه در هر شهرستان سنجیده شده‌اند. متغیرهای مستقل فقر و محرومیت اجتماعی، با ۳۰ شاخص در ۵ بعد سنجش شده‌اند. (۱) بعد اقتصادی، شامل درآمد سرانه خانوار، نرخ بیکاری، درصد خانوارهای زیر خط فقر، شاخص نابرابری درآمدی (ضریب جینی)، درصد مشاغل غیررسمی و میزان پس‌انداز خانوار است که فقر مطلق و نسبی را در سطح اقتصادی می‌سنجند. (۲) بعد اجتماعی مشتمل بر

3. Neuman

1. Bryman
2. Field

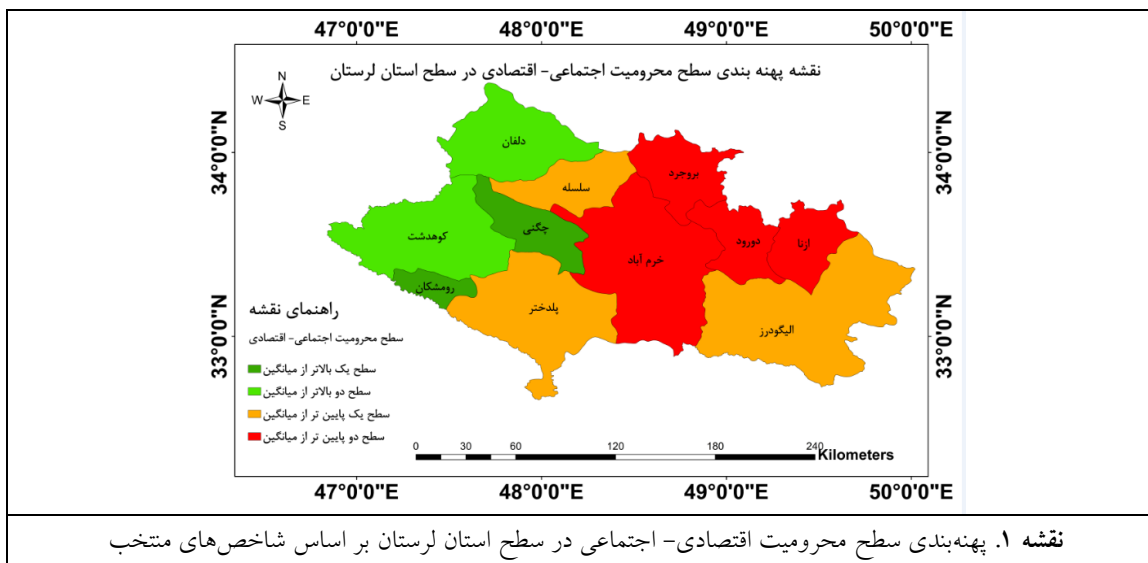
یافته‌های پژوهش در قالب جدول ۱، نشان می‌دهند، بر اساس ۳۰ شاخص محرومیت اجتماعی، شهرستان‌های استان لرستان به چهار گروه تقسیم شدند: (۱) شهرستان‌های با سطح خیلی بالای محرومیت (رومشگان و چگنی)، (۲) شهرستان‌های با سطح بالای محرومیت (دلفان و کوهدشت)، (۳) شهرستان‌های با سطح متوسط محرومیت (الیگودرز، سلسله، پلدختر)، و (۴) شهرستان‌های با سطح پایین محرومیت (خرم‌آباد، بروجرد، دورود، ازنا) این دسته‌بندی با استفاده از میانگین استاندارد شده شاخص‌ها انجام شده و بیانگر نابرابری قابل توجه در توزیع منابع میان مناطق است (فیلد، ۲۰۱۸). پژوهشگر خاطرنشان می‌کند که این رتبه‌بندی درون‌استانی است و در صورت مقایسه با میانگین کشوری، ممکن است بیشتر شهرستان‌ها در دسته‌های محروم‌تر قرار گیرند؛ این موضوع نیازمند تحلیل تطبیقی بیشتری است.

مانند آمار رسمی بر معیارهای «ذهنی» ترجیح داده شد. این ترکیب، چارچوب روش‌شناختی استواری را شکل داده که نه‌تنها نتایج را قابل‌اعتماد می‌سازد، بلکه قابلیت تکرارپذیری و تعمیم‌پذیری آن را نیز تقویت می‌کند. داده‌های جرایم علیه اموال برای سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ از نیروی انتظامی لرستان و داده‌های محرومیت از وزارت کشور، مرکز آمار ایران و استانداری لرستان گردآوری شد. این بازه سه‌ساله برای شناسایی روندها انتخاب شده است. داده‌ها، رسمی و بکر بوده و برای اولین بار تحلیل می‌شوند (حسینی و مصطفی‌پور، ۱۳۹۶). تحلیل در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد. در سطح توصیفی، میانگین، انحراف معیار و پراکندگی داده‌ها با SPSS محاسبه شد. تحلیل فضایی نیز با GIS انجام شد تا الگوهای جغرافیایی مشخص شوند.

یافته‌ها

جدول ۱. نتایج گروه‌بندی سطح محرومیت اقتصادی-اجتماعی در استان لرستان بر اساس شاخص‌های منتخب

شهرستان	محرومیت اجتماعی	نمره استاندارد	امتیاز	دامنه عددی غیر استاندارد (امتیاز خام)
ازنا	پایین	۰/۹۸۶۰۴	۲۴۰	۲۲۶-۳۰۰ (محرومیت کم)
الیگودرز	متوسط	۰/۱۱۸۳۲	۱۸۰	۱۵۱-۲۲۵ (محرومیت متوسط)
بروجرد	پایین	۰/۹۱۳۷۳	۲۳۵	۲۲۶-۳۰۰ (محرومیت کم)
خرم‌آباد	پایین	۱/۱۳۰۶۵	۲۵۰	۲۲۶-۳۰۰ (محرومیت کم)
دورود	پایین	۱/۰۵۸۳۵	۲۴۵	۲۲۶-۳۰۰ (محرومیت کم)
رومشگان	خیلی بالا	-۱/۶۱۷۱۰	۶۰	۰-۷۵ (محرومیت شدید)
دلفان	بالا	-۰/۷۴۹۳۹	۱۲۰	۷۶-۱۵۰ (محرومیت قابل توجه)
سلسله	متوسط	۰/۲۶۲۹۴	۱۹۰	۱۵۱-۲۲۵ (محرومیت متوسط)
چگنی	خیلی بالا	-۱/۰۴۷۲۴۸	۷۰	۰-۷۵ (محرومیت شدید)
پلدختر	متوسط	-۰/۰۲۶۲۹	۱۷۰	۱۵۱-۲۲۵ (محرومیت متوسط)
کوهدشت	بالا	-۰/۶۰۴۷۷	۱۳۰	۷۶-۱۵۰ (محرومیت قابل توجه)



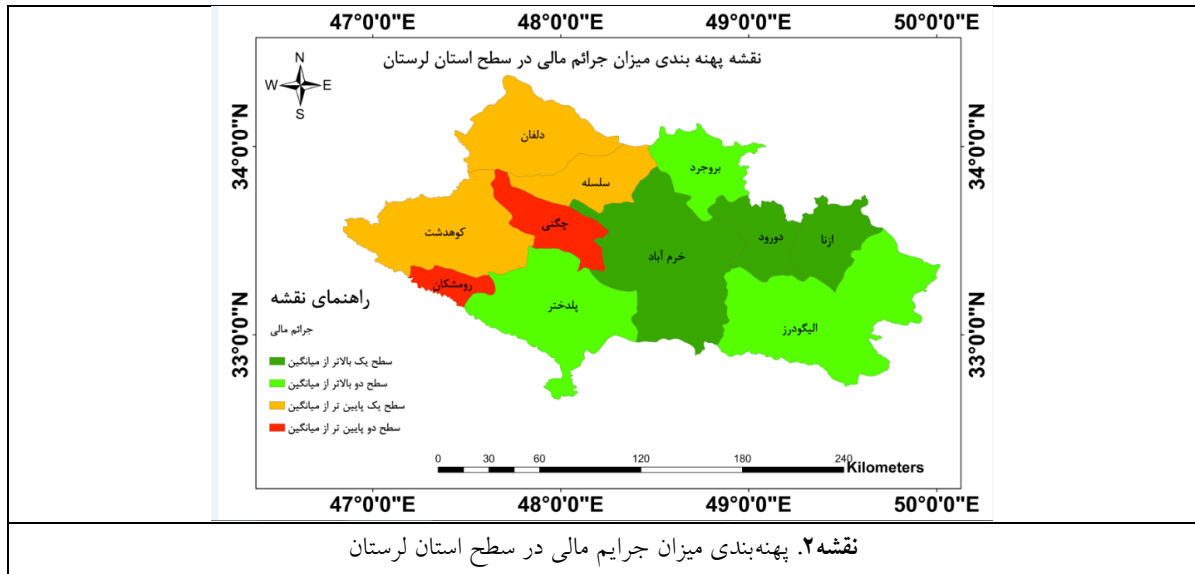
جرم بالاتر از میانگین کل، شهرستان‌های الیگودرز، بروجرد و پلدختر در سطح دو، با نرخ جرم بالاتر از میانگین کل، شهرستان‌های کوهدهشت، سلسله و دلفان در سطح یک، با نرخ جرم پایین‌تر از میانگین کل، و شهرستان‌های چگنی و رومشکان در سطح دو، با نرخ جرم پایین‌تر از میانگین کل قرار گرفتند. برای درک و تصویر بهتری از میزان جرایم در بین مناطق یازده‌گانه استان لرستان نمودار جرایم علیه اموال لرستان در جدول ۲، آمده است.

در این تحقیق، شهرستان‌های استان لرستان بر اساس میزان «جرایم علیه اموال»، با استفاده از معیار فاصله نمره هر شهرستان از میانگین کل جرایم، به چهار سطح تقسیم‌بندی شدند. ابتدا شهرستان‌ها به دو دسته اصلی تقسیم شدند: (۱) شهرستان‌هایی با نرخ جرم بالاتر از میانگین کل، و (۲) شهرستان‌هایی با نرخ جرم پایین‌تر از میانگین کل. سپس، با محاسبه میانگین جدیدی از نمرات جرایم، هر یک از این دسته‌ها به دو سطح فرعی تقسیم شدند. بر این اساس، شهرستان‌های دورود، خرم‌آباد و ازنا در سطح یک، با نرخ

جدول ۲. میزان جرایم مالی در بین شهرستان‌های استان لرستان

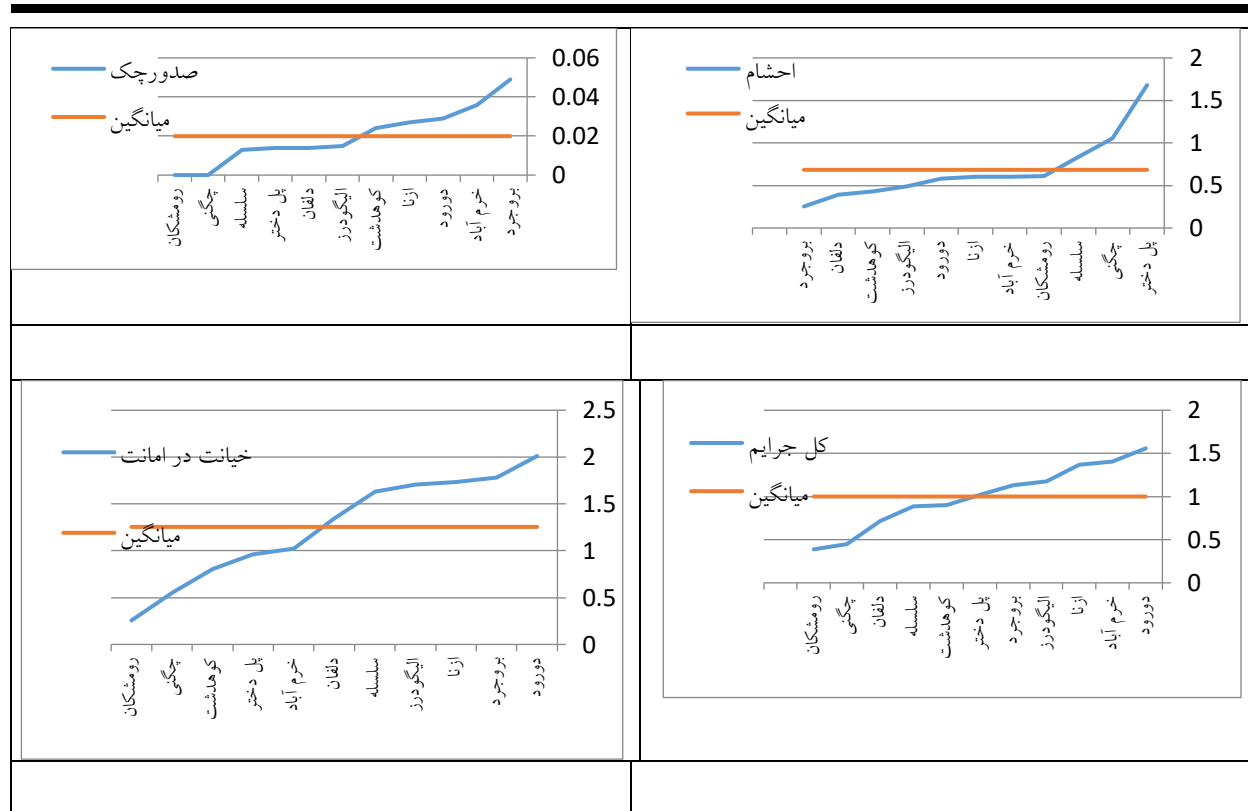
شهر	کلاهبرداری	سرقت شخصی	سرقت اتومبیل	سرقت احشام	س اماکن دولتی	صدور چک...	خیانت در امانت	کل	میانگین	میزان جرم
دورود	۰/۱۳۸	۴/۳۴	۴/۲۶	۰/۵۷۹	۰/۱۸۹	۰/۰۲۹	۲/۰۱	۱۱/۵	۱/۵۹	گروه ۱
ازنا	۰/۵۳۴	۳/۰۱	۳/۹۱	۰/۶۰۱	۰/۲۱۴	۰/۰۲۷	۱/۷۳	۱۰/۰	۱/۳۸	گروه ۱
خرم‌آباد	۰/۰۸۹	۲/۸۵	۴/۹۹	۰/۶۰۶	۰/۱۰۵	۰/۰۳۶	۱/۰۲	۹/۷	۱/۳۳	گروه ۱
الیگودرز	۰/۲۴۷	۲/۸۲	۳/۲۸	۰/۴۸۷	۰/۰۸۷	۰/۰۱۵	۱/۷۰	۸/۶	۱/۱۹	گروه ۲
بروجرد	۰/۱۱۹	۲/۰۵	۳/۸۴	۰/۲۵۴	۰/۰۷۴	۰/۰۴۹	۱/۷۸	۸/۱۷	۱/۱۲	گروه ۲
پلدختر	۰/۱۶۳	۲/۲۵	۲/۰۸	۱/۶۸	۰/۲۴۴	۰/۰۱۴	۰/۹۶۳	۷/۴۰	۱/۰۲	گروه ۲
سلسله	۰/۱۷۲	۲/۱۳	۱/۹۰	۰/۸۳۴	۰/۱۰۶	۰/۰۱۳	۱/۶۲	۶/۷۸	۰/۹۳۶	گروه ۳
کوهدهشت	۰/۱۰۱	۲/۰۷	۲/۵۳	۰/۴۳۲	۰/۱۰۸	۰/۰۲۴	۰/۸۰۴	۶/۰۷	۰/۸۳۷	گروه ۳
دلفان	۰/۱۳۹	۱/۵۶	۱/۹۳	۰/۳۸۹	۰/۱۱۱	۰/۰۱۴	۱/۳۴	۵/۴۸	۰/۷۵۷	گروه ۳
چگنی	۰/۱۹۲	۰/۵۷۵	۰/۶۴۷	۱/۰۵	۰/۲۳۹	۰	۰/۵۵۱	۳/۲۵	۰/۴۴۹	گروه ۴
رومشکان	۰/۱۷۹	۰/۹۲۲	۰/۵۱۲	۰/۶۱۴	۰/۱۵۴	۰	۰/۲۵۶	۲/۶۳	۰/۳۶۴	گروه ۴

یوسفوند: تأثیر فقر و محرومیت اجتماعی بر جرایم علیه اموال در استان لرستان...



نمودار ۱. میزان جرایم مالی در بین شهرستان‌های استان لرستان





سرقت منازل و اماکن خصوصی، نتایج نشان داد، گروه ۴ (میانگین = ۰/۷۴۸۵) به طور معناداری میانگین کمتری نسبت به گروه ۱ (میانگین = ۳/۴۰۵۷) دارد (Sig=۰/۰۰۶). گروه‌های ۲ (میانگین = ۲/۳۷۵۷) و ۳ (میانگین = ۱/۹۲۱۳) در زیرمجموعه‌ای همگن با گروه ۱ قرار گرفتند و تفاوت معناداری با یکدیگر یا گروه ۱ نداشتند. در مورد متغیر سرقت اتومبیل و موتورسیکلت، گروه ۴ (میانگین = ۰/۵۷۹۵) به طور معناداری میانگین کمتری نسبت به گروه‌های ۱ (میانگین = ۴/۳۸۸۰، Sig=۰/۰۰۲) و ۲ (میانگین = ۳/۰۷۱۷، Sig=۰/۰۱۶) داشت. همچنین، گروه ۳ (میانگین = ۲/۱۲۳۰) نسبت به گروه ۱ تفاوت معناداری نشان داد (Sig=۰/۰۱۵)، اما با گروه ۲ مشابه بود. برای بقیه متغیرها، هیچ تفاوت معناداری بین گروه‌ها مشاهده نشد و همه گروه‌ها در یک زیرمجموعه همگن قرار گرفتند. این نتایج نشان می‌دهد که گروه ۴ در

برای بررسی تفاوت میانگین «جرایم علیه اموال» با توجه به سطح محرومیت، از تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده شد که در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج نشان داد، تفاوت آماری معناداری بین گروه‌های محرومیت در کل جرایم علیه اموال (F=۱۲, Sig=۰/۰۰۱)، سرقت منازل و اماکن خصوصی (F=۹/۸, Sig=۰/۰۰۳)، سرقت اتومبیل و موتورسیکلت (F=۱۱/۲, Sig=۰/۰۰۲) وجود دارد. این یافته‌ها فرض H0 (عدم تفاوت میانگین جرایم بر اساس محرومیت) را رد و H1 (وجود تفاوت) را تأیید می‌کند. به عبارت دیگر، افزایش سطح محرومیت با افزایش این جرایم همراه است. آزمون «شفه»^۱ برای مقایسه‌های چندگانه بین گروه‌های متغیر سطح محرومیت بر روی متغیرهای وابسته سرقت منازل و اماکن خصوصی، سرقت اتومبیل و موتورسیکلت انجام شد تا تفاوت‌های معنی‌دار بین گروه‌ها بررسی شود. برای متغیر

1.Scheffe

متغیرهای سرقت منازل و اماکن خصوصی و سرقت اتومبیل و موتورسیکلت به طور مداوم، کمترین میانگین را دارد.

جدول ۳. نتایج حاصل از تحلیل واریانس برای متغیرها با داده نرمال

نتیجه	معناداری	مقدار	Mean Square	df	Sum of Squares		
وجود تفاوت (ردفرض صفر)	کمتر از ۵ صدم	۱۴/۷	۰/۵۶۷	۲	۱/۱۳۵	درون گروهی	میانگین کل جرایم
			۰/۰۳۹	۸	۰/۳۰۸	بین گروهی	
				۱۰	۱/۴۴۳	کل	
وجود تفاوت (ردفرض صفر)	کمتر از ۵ صدم	۶/۰۳	۳/۲۴۴	۲	۶/۴۸۸	درون گروهی	سرقت منازل و اماکن خصوصی
			۰/۵۳۸	۸	۴/۳۰۲	بین گروهی	
				۱۰	۱۰/۷۹۰	کل	
وجود تفاوت (ردفرض صفر)	کمتر از ۵ صدم	۱۳/۵۷	۸/۲۷۶	۲	۱۶/۵۵۲	درون گروهی	سرقت اتومبیل و موتورسیکلت
			۰/۶۱۰	۸	۴/۸۷۷	بین گروهی	
				۱۰	۲۱/۴۳۰	کل	
نبود تفاوت (تاییدفرض صفر)	بیشتر از ۵ صدم	۸/۱۲	۰/۰۰۱	۲	۰/۰۰۱	درون گروهی	چک بلا محل
			۰/۰۰۰	۸	۰/۰۰۱	بین گروهی	
				۱۰	۰/۰۰۲	کل	
نبود تفاوت (تاییدفرض صفر)	بیشتر از ۵ صدم	۴/۶۰۴	۰/۸۷۵	۲	۱/۷۵۰	درون گروهی	خیانت در امانت
			۰/۱۹۰	۸	۱/۵۲۰	بین گروهی	
				۱۰	۳/۲۷۰	کل	

محرومیت وابسته نیستند و عوامل دیگری (مانند فرصت‌های محلی) ممکن است دخیل باشند و بالاخره، تحلیل رگرسیون خطی چندگانه که نتایج آن در جدول ۵ منعکس شده است، نشان داد که همبستگی قوی بین سطح محرومیت و کل «جرایم علیه اموال» وجود دارد. این امر برای سرقت منازل و اماکن خصوصی، سرقت اتومبیل و موتورسیکلت، صدور چک بی‌محل و خیانت در امانت، نیز صادق است.

برای متغیرهای غیرنرمال (سرقت احشام، کلاهبرداری، سرقت از اماکن دولتی)، آزمون «کروسکال-والیس» به کار رفت که نتایج آن در جدول ۴ انعکاس یافته است. نتایج نشان داد، تفاوت معناداری بین گروه‌های محرومیت وجود ندارد (سرقت احشام: $X^2=۳/۲۱$, $Sig=۰/۲۰۱$ ، کلاهبرداری: $X^2=۱/۹۵$, $Sig=۰/۳۷۶$ ، سرقت از اماکن دولتی: $X^2=۲/۸۹$, $Sig=۰/۳۷۶$). این امر فرض H_0 (عدم تفاوت) را تأیید و H_1 (وجود تفاوت) را رد می‌کند، به این معنا که این جرایم به سطح

جدول ۴. نتایج آزمون کروسکال والیس و آزمون اسپیرمن برای متغیرها با داده غیر نرمال

نتیجه	آزمون اسپیرمن		کروسکال والیس			متغیرها
	Sig	value	Sig	df	X^2	
نبود تفاوت و همبستگی تأیید صفر	۰/۷۰۹	۰/۱۲۷	۰/۴۳۱	۲	۱/۶۸	سرقت احشام
نبود تفاوت و همبستگی تأیید صفر	۰/۸۷۰	۰/۰۵۶	۰/۷۴۱	۲	۰/۵۹	سرقت از اماکن دولتی
نبود تفاوت و همبستگی تأیید صفر	۰/۴۷۰	۰/۲۴۴	۰/۵۱۵	۲	۱/۳۲	کلاهبرداری

بود. تحلیل فضایی با GIS نیز نشان داد که جرایم در مناطق مرکزی (خرم‌آباد، دورود) متمرکزترند، در حالی که محرومیت در مناطق غربی (رومشگان، چگنی) شدیدتر است.

این نتایج، فرض H0 (عدم همبستگی) را رد و H1 (وجود همبستگی) را تأیید می‌کند. متغیرهای مخدوش‌کننده (سن، جنسیت، مهاجرت) در مدل کنترل شدند و تأثیر آن‌ها ناچیز

جدول ۵. تحلیل همبستگی و رگرسیون میزان اثر متغیر مستقل سطح محرومیت بر متغیرهای وابسته

متغیر وابسته	R	R ²	B	Beta	T	F	Sig
میانگین کل جرایم	۰/۸۸۶	۰/۷۸۴	۰/۳۷۶	۰/۸۸۶	۵/۷۲	۳۲/۷	۰/۰۰۰
سرقت منازل و امکان خصوصی	۰/۷۶۹	۰/۵۹۱	۰/۸۹۳	۰/۷۶۹	۳/۶۶	۱۳	۰/۰۰۶
سرقت اتومبیل و موتورسیکلت	۰/۸۶۹	۰/۷۵۶	۱/۴۲	۰/۸۶۹	۵/۲۸	۲۷/۸	۰/۰۰۱
چک بلا محل	۰/۷۷۴	۰/۵۹۸	۰/۰۱۳	۰/۷۷۴	۳/۶۶	۱۳/۴	۰/۰۰۵
خیانت در امانت	۷۰۳	۰/۴۹۵	۰/۲۳۲	۰/۷۰۳	۲/۹۶	۸/۸	۰/۰۱۶

بحث و نتیجه‌گیری

کلاهبرداری مرتبط است که برای سرقت تأیید و برای کلاهبرداری رد شد، که نشان‌دهنده وابستگی این جرم به عوامل دیگر است. این نتایج با پرسش‌محوری پژوهش که «چه رابطه‌ای بین فقر و محرومیت بین منطقه‌ای با جرایم علیه اموال در لرستان وجود دارد» هم‌خوانی دارد و نشان می‌دهد محرومیت، چه به صورت مطلق و چه نسبی، عامل تعیین‌کننده‌ای در وقوع «جرایم علیه اموال» است، اگرچه برخی جرایم مانند کلاهبرداری از این الگو مستثنی هستند. تطبیق یافته‌ها با ادبیات تحقیق نشان داد، فقر مطلق با ایجاد فشارهای اقتصادی، افراد را به سمت «جرایم علیه اموال» سوق می‌دهد (پرایدمور، ۲۰۱۱) که با افزایش سرقت در مناطق محروم لرستان مانند «کوه‌دشت» و «دلفان»، هم‌راستا است. همچنین، فقر نسبی، به‌عنوان محرک روانی، با جرایمی مانند سرقت و خیانت در امانت در مناطقی با نابرابری بالا مانند «خرم‌آباد» همبستگی دارد (چمبرلین و هیپ، ۲۰۱۵). این یافته‌ها با نتایج پژوهش انصاری سامانی و روزبهبانی (۱۳۹۸) و براش (۲۰۰۷) سازگار است که نابرابری را عامل کلیدی «جرایم علیه اموال» می‌دانند. با این حال، عدم ارتباط معنادار کلاهبرداری و سرقت احشام با محرومیت، با

گسترش بی‌سابقه «جرایم علیه اموال در «دنیای صنعتی» مدرن، علی‌رغم پیشرفت‌های فوق‌العاده در فناوری‌های «دوربین مداربسته»، «دزدگیر»، «هشداردهنده» «احراز هویت بیومتریک» و غیره، باعث شده است، «جرایم علیه اموال» به یک مساله حاد اجتماعی تبدیل شود. با توجه به پیوند منطقی «فقر» و «نابرابری‌های منطقه‌ای» با شیوه انحرافات اجتماعی، پژوهش حاضر تلاش کرده است، رابطه بین فقر (مطلق و نسبی) و محرومیت بین منطقه‌ای را با «جرایم علیه اموال» در استان لرستان مورد بررسی قرار دهد. این مطالعه با استفاده از نظریه‌های «بی‌سازمانی اجتماعی» و «محرومیت نسبی»، داده‌های آماری «موجود» را تحلیل و فرضیه‌هایی را مبنی بر ارتباط این متغیرها آزمون نمود. تطبیق یافته‌ها با اهداف و فرضیه‌ها نشان می‌دهد: ۱) فقر مطلق با افزایش «جرایم علیه اموال» رابطه مثبت دارد و در مناطقی با محرومیت بالا، نرخ جرایم بیشتر است. ۲) فقر نسبی با افزایش «جرایم علیه اموال» همبستگی مثبت دارد که نشان‌دهنده تأثیر نابرابری درک‌شده بر جرایم است. ۳) نابرابری درآمدی در مناطق شهری احتمال وقوع جرایم را افزایش می‌دهد و مناطق شهری مانند خرم‌آباد و دورود، دارای نرخ جرایم بالاتری از میانگین هستند. ۴) محرومیت اجتماعی در محله‌های فقیر با افزایش سرقت و

مطالعه بین^۱ (۲۰۱۷) هم‌سو است که نشان داد برخی جرایم، نه به فقر، بلکه به عوامل محلی یا فرصت‌ها وابسته‌اند. تبیین نظری یافته‌ها مبتنی بر هر نظریه بیانگر این است که نظریه «بی‌سازمانی اجتماعی» (شاو و مک کی، ۱۹۴۲) تأکید دارد که محرومیت اقتصادی و اجتماعی، مانند فقر و بیکاری، کنترل‌های اجتماعی را تضعیف می‌کند. در لرستان، مناطقی با محرومیت بالا مانند «رومشگان»، «چگنی»، ساختارهای اجتماعی ضعیف‌تری دارند، که با نرخ بالای سرقت منازل هم‌خوانی دارد. دورکیم (۱۹۳۳) نیز با مفهوم «آنومی»، افزایش جرایم در شرایط نابرابری را پیش‌بینی می‌کند، که در مناطق شهری لرستان مانند خرم‌آباد مشهود است. مرتن (۱۹۳۸) این امر را با فشار ناشی از عدم دسترسی به «وسایل مشروع» تبیین می‌کند که در افزایش «چک بی محل» در مناطق محروم دیده می‌شود. نظریه «محرومیت نسبی» (آگنیو، ۱۹۹۹) بیان می‌کند که نابرابری درک‌شده، انگیزه جرم را تقویت می‌کند. همبستگی بالای جرایم با نابرابری در لرستان این دیدگاه را تأیید می‌کند. مرتن (۱۹۶۸) نیز با مفهوم «گروه مرجع»، افزایش سرقت در مناطق نزدیک به شهرهای توسعه‌یافته مانند «دورود» را توضیح می‌دهد، جایی که افراد خود را با دیگران مقایسه می‌کنند. این نظریه به‌ویژه در تبیین جرایم اقتصادی مانند «خیانت در امانت» موفق است، اما ناکامی آن در توضیح «کلاهبرداری» نشان‌دهنده نقش عوامل خارج از نابرابری مانند «فرصت‌های محلی» است.

تحلیل جامع یافته‌ها نشان‌دهنده الگویی دوگانه در لرستان است. در حالی که محرومیت به‌طور کلی «جرایم علیه اموال» را افزایش می‌دهد، برخی جرایم مانند «کلاهبرداری»، و «سرقت احشام» به این الگو وابسته نیستند. این امر می‌تواند به تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی بین مناطق مربوط باشد. برای مثال، تمرکز جرایم در مناطق مرکزی «خرم‌آباد»، و «دورود» ممکن است به دسترسی بیشتر به اهداف مانند اموال

بازرزش یا تراکم جمعیتی مرتبط باشد، در حالی که محرومیت شدید در غرب «رومشگان»، و «چگنی» به نیازهای اولیه و سرقت‌های ساده‌تر منجر می‌شود. کنترل متغیرهای مخدوش‌کننده سن، جنسیت، و مهاجرت، نشان داد که تأثیر این عوامل ناچیز است، که بر نقش محوری محرومیت تأکید می‌کند. این پژوهش تأیید می‌کند که نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی و محرومیت نسبی مکمل یکدیگرند: اولی ساختارهای فروپاشیده در مناطق محروم را توضیح می‌دهد و دومی انگیزه‌های روانی ناشی از نابرابری را. با این حال، ناکامی این نظریه‌ها در تبیین جرایم غیرنرمال مانند «کلاهبرداری» نشان می‌دهد که باید عوامل محلی و فرصت‌محور مانند دسترسی به «فناوری» یا فرهنگ محلی نیز در نظر گرفته شوند. این یافته، شکاف نظری را پر کرده و پیشنهاد می‌کند چارچوب‌های ترکیبی برای تحلیل جرایم در مناطق محروم توسعه یابند.

این پژوهش، متضمن برخی پیشنهادهای عملی به این شرح است: ۱) در سیاست‌گذاری منطقه‌ای، تخصیص منابع به مناطق محروم مانند «رومشگان»، و «چگنی» برای کاهش فقر مطلق و تقویت زیرساخت‌ها می‌تواند جرایم را کاهش دهد. ۲) ایجاد فرصت‌های شغلی و آموزش در مناطق با نابرابری بالا مانند «خرم‌آباد»، و «دورود» فشارهای نسبی را کم می‌کند. ۳) با توجه به عدم ارتباط برخی جرایم مانند «کلاهبرداری» با محرومیت، نظارت بر فرصت‌های جرم مانند معاملات غیررسمی ضروری است. پژوهش حاضر با برخی محدودیت نیز مواجه بوده است. ۱) تمرکز بر سطح شهرستان، تفاوت‌های درون‌محله‌ای را نادیده گرفت. ۲) کمبود داده‌های کیفی، عوامل فرهنگی و محلی را کم‌رنگ کرد. ۳) انجام پژوهش‌های ده ساله برای شناسایی روندها. ۴) تحلیل سطح محله با ترکیب داده‌های کمی و کیفی. ۵) بررسی عوامل فرصت‌محور مانند دسترسی به اموال یا فناوری در جرایم

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش کلیه ملاحظات اخلاقی رعایت شد است.

تقدیر و تشکر: این مقاله برگرفته از یک پژوهش مستقل است و از استاندار وقت لرستان آقای «دکتر خادمی»، مدیر کل سیاسی امنیتی وقت استان لرستان آقای «جوانمرد» و نیروی انتظامی استان لرستان برای در اختیار قراردادن آمار تشکر می‌شود.

تضاد منافع: هیچ گونه تضاد منافی ندارد.

غیرنرمال. سخن پایانی اینکه، این پژوهش نشان داد، فقر و نابرابری بین منطقه‌ای در لرستان با «جرایم علیه اموال» رابطه‌ای قوی و معنادار دارد، که با نظریه‌های «بی‌سازمانی اجتماعی» و «محرومیت نسبی» تبیین می‌شود. با این حال، استثناهایی مانند کلاهبرداری، پیچیدگی این رابطه را نشان می‌دهد. این یافته‌ها نه تنها شکاف دانشی در تحلیل‌های منطقه‌ای را پر می‌کنند، بلکه راهکارهایی برای کاهش جرایم از طریق کاهش محرومیت و نابرابری ارائه می‌دهند. لرستان می‌تواند الگویی برای سایر مناطق محروم ایران باشد، مشروط بر اینکه سیاست‌ها به صورت محلی و هدفمند طراحی شوند.

منابع فارسی

انصاری سامانی، حبیب، روزبهانی، معصومه. (۱۳۹۸). عدالت و جرایم اجتماعی: شواهدی از استان های ایران. *مجله اقتصاد و توسعه منطقه ای*،

۱۸، ۱-۱۸

<https://doi.org/10.22067/erd.v26i17.67307>

حسینی، سید حسین، مصطفی پور، محمد. (۱۳۹۶). آمار جنایی و جایگاه آن در جرم‌شناسی. *فصلنامه مطالعات جرم‌شناسی*، ۱۲(۳)، ۱۰۵-۱۲۰.

رحیمی، سعید. (۱۴۰۰). فقر و جرم در ایران معاصر. *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، ۲۲(۲)، ۶۰-۴۵.

شریفی، احمد. (۱۴۰۲). نابرابری منطقه‌ای و جرم در غرب ایران. *فصلنامه جغرافیای اجتماعی*، ۱۴(۲)، ۵۵-۳۸.

طاهری، رضا. (۱۴۰۱). عوامل اقتصادی جرم در ایران. *مجله اقتصاد و جامعه*، ۱۹(۳)، ۶۲-۵۸.

محمدی، اکبر. (۱۴۰۱). لرستان: محرومیت و چالش‌های اجتماعی. *فصلنامه مطالعات منطقه‌ای*، ۱۳(۲)، ۳۵-۱۹

مرکز آمار ایران (۱۴۰۳). *سالنامه آماری ۱۴۰۲*. تهران: مرکز آمار ایران

میره‌ای، محمد، عارفی، مسلم، رشنوفر، آیت. (۱۳۹۵). پژوهشی در توسعه یافتگی و نابرابری های آن در استان لرستان. *فصلنامه برنامه ریزی*

منطقه ای، ۲۱، ۱-۱۶.

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516735.1395.6.21.1.9>

میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۰). *جرایم علیه اموال و مالکیت*. تهران: نشر میزان.

References

Agnew, R. (1999). Foundation for a general strain theory of crime and delinquency. *Criminology*, 37(1), 78-105.

<https://doi.org/10.1111/j.1745-9125.1999.tb00482.x>

Ansari Samani, H. & Roozbahani, M. (2019). Economic justice and social crime: Some evidence from Iran's provinces. *Journal of Economics & Regional and Development*, 18, 1-18. [In Persian]

<https://doi.org/10.22067/erd.v26i17.67307>

Arner, S. & Buckley, R. (2020). Financial crime and small businesses: A global perspective. *Journal of Economic Criminology*, 12(3), 134-150.

Bosen, T., & Chamberlin, A. (2017). Economic recession and property Crime: A longitudinal study. *Crime & Society Review*, 9(2), 102-118.

- Brush, J. (2007). Poverty, inequality, and urban crime. *Urban Studies Journal*, 44(1), 145-160.
[https://doi: 10.1080/00420980601075034](https://doi.org/10.1080/00420980601075034)
- Bryman, A. (2016). *Social research methods*. Oxford: Oxford University Press.
[https://doi/ 10.1111/soin.12194](https://doi.org/10.1111/soin.12194)
- Chamberlin, A. & Hipp, J. (2015). Poverty and property crime: A multilevel analysis. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 52(3), 431-450.
[https://doi/10.1177/0022427814568047](https://doi.org/10.1177/0022427814568047)
- Davis, M. & Kim, S. (2023). Economic inequality and crime: A global perspective. *Journal of Criminology*, 61(1), 45-60.
<https://doi.org/10.1016/j.jeconc.2023.100011>
- Durkheim, É. (1933). *The division of labor in society*. New York: Free Press.
- Field, A. (2018). *Discovering statistics using IBM SPSS statistics*. London: SAGE Publication.
- Giddens, A. (2018). *Introduction to sociology*. London: W.W. Norton & Company.
- Hosseini, S. Hossein. & Mostafapour, M. (2017). Criminal statistics and its place in criminology. *Journal of Criminology Studies*, 12(3), 105-120. [In Persian]
- Kelly, K.(2000). Inequality and crime. *Review of Economics and Statistics*,82(4), 530-539.
<http://dx.doi.org/10.1162/003465300559028>
- Macionis, J. (2017). *Sociology*. NewYork: Pearson.
- Mariotti, A. (2023). *Property crimes statistics*. Available at: <https://www.rubyhome.com/blog/property-crime-stats/>
- Merton, R. K. (1938). Social structure and anomie. *American Sociological Review*, 3(5), 672-682.
- Merton, R. K. (1968). *Social theory and social structure*. New York: Free Press.
[https://doi/ 10.2307/2084686](https://doi.org/10.2307/2084686)
- Mireei, M., Arefi, M. & Rashnofar, A. (2016). Study and analysis of development disparities in Lorestan province. *Journal of Regional Planning*, 21, 1-16. [In Persian]
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516735.1395.6.21.1.9>
- Mirmohammad Sadeghi, H. (2011). *Crimes against property and ownership*. Tehran: Mizan Publication. [In Persian]
- Miro-Llinares, F. & Aebi, M.F.(2025). *Understanding crime trends in a hybrid society: The digital drift*. SwitzerlandL Springer.
- Mohammadi, A. (2022). Lorestan: Deprivation and social challenges. *Journal of Regional Studies*, 13(2), 35-19. [In Persian]
- Neuman, W. L. (2014). *Social research methods: Qualitative and quantitative approaches*. Essex: Pearson Education.
- Pridemore, W. (2011). Poverty matters: A reassessment of absolute deprivation and crime. *British Journal of Criminology*, 51(2), 234-250.
[https://doi/10.1093/bjc/azq078](https://doi.org/10.1093/bjc/azq078)
- Rahimi, S. (2021). Poverty and crime in contemporary Iran. *Journal of Social Sciences*, 22(2), 45-60. [In Persian]
- Sharifi, A. (2023). Regional inequality and crime in Western Iran. *Journal of Social Geography*, 14(2), 38-55. [In Persian]
- Shaw, C. R. & McKay, H. D. (1942). *Juvenile delinquency and urban areas*. Chicago: University of Chicago Press.
- Smith, J. & Taylor, E. (2020). Crime and social stability. *Sociological Review*, 68(2), 56-72.
[https://doi/ 10.1177/0038026119871389](https://doi.org/10.1177/0038026119871389)
- Statistical Center of Iran .(2024). *Statistical Yearbook 2023*. Tehran: Statistical Center of Iran. [In Persian]

Taheri, R. (2022). Economic factors of crime in Iran. *Journal of Economics and Society*, 19(3), 52-68. [In Persian]

Yin, S. (2017). Property crime and socioeconomic factors. *Open Journal of Social Sciences*, 5(9), 226-237. <http://dx.doi.org/10.4236/jss.2017.59016>